

۲۴۶۶۹۹۴

# بیگانه

آلبر کامو

مترجمان:  
جلال آل احمد  
علی اصغر خبره زاده

سرشناسه : کامو، آلبر، ۱۹۱۳-۱۹۶۰ م.  
 Camus, Albert, ۱۹۱۳-۱۹۶۰  
 عنوان و نام پدیدآور : بیگانه/آلبر کامو؛ مترجمان جلال آل احمد، علی اصغر خیره زاده؛ ویراستار  
 علی چراغ زاده.  
 مشخصات نشر : تهران: کافل، ۱۴۰۲.  
 مشخصات ظاهری : ۲۲۴ ص.  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۱۱-۰۳-۲  
 وضعیت فهرست نویسی : فیا  
 یادداشت : L'etranger. : عنوان اصلی :  
 یادداشت : کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان "The stranger" به فارسی  
 برگردان شده است.  
 یادداشت : کتاب حاضر توسط مترجمان و ناشران متفاوت در سال های مختلف ترجمه و  
 منتشر شده است.  
 موضوع : داستان های فرانسه -- قرن ۲۰ م.  
 ۲۰th century -- French fiction  
 شناسه افزوده : آل احمد، جلال، ۱۳۰۲ - ۱۳۴۸، مترجم  
 شناسه افزوده : Al Ahmad, Jalal, ۱۹۲۳-۱۹۶۹.  
 شناسه افزوده : خیره زاده، علی اصغر، ۱۳۰۲ - ۱۳۸۷، مترجم  
 رده بندی کنگره : PQ۲۶۳۴  
 رده بندی دیویی : ۸۴۳/۹۱۴  
 شماره کتابشناسی ملی : ۹۵۵۲۱۸۶  
 اطلاعات و کورد کتابشناسی : فیا



نام کتاب : بیگانه  
 ناشر : انتشارات کافل  
 نویسنده : آلبر کامو  
 مترجمان : علی اصغر خیره زاده/ جلال آل احمد  
 ویراستار : علی چراغ زاده  
 نوبت و سال چاپ : اول ۱۴۰۳  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۱۱-۰۳-۲  
 شمارگان : ۲۰۰  
 قیمت : ۱۷۵۰۰۰ تومان  
 صفحه آرائی : انتشارات کافل  
 نشانی : تهران، شهر زیبا، خ مرادی، کوچه ی شقایق، پ ۲، واحد ۱۶  
 تلفکس : ۴۴۳۲۱۳۶۳ همراه : ۰۹۱۲۲۲۶۹۱۳۵  
 نشانی سایت : www.kafel-pub.ir  
 ایمیل انتشارات : kafel.pub@gmail.com

فهرست:

|     |                     |
|-----|---------------------|
| ۵   | در باره‌ی آلبر کامو |
| ۱۱  | توضیح بیگانه        |
| ۳۵  | بخش نخست:           |
| ۱۲۷ | بخش دوم:            |

## در باره‌ی «آلبر کامو»

آلبر کامو، نویسنده‌ی معاصر فرانسوی است که نزدیک به همه‌ی عمر خود را در تونس و الجزایر و شهرهای آفریقای شمالی و فرانسه گذرانیده است و به همین علت، نه تنها در این داستان بزرگترین نقش را آفتاب سوزان نواحی گرم به عهده دارد و نه همان داستان، به علت همین آفتاب است که آدم می‌کشد، بلکه در کار بزرگ دیگری به نام طاعون، همین نویسنده، بلای طاعون را بر یک شهر گرم‌زده‌ی شمال آفریقا نازل می‌کند که «تغییرات فصول را فقط در آسمان آن می‌شود خواند. و در آن، نه صدای بال پرنده‌ای را می‌توان شنید و نه زمزمه‌ی بادی را لابه‌لای برگ‌های درختی.»

طاعون La Peste که بزرگترین اثر این نویسنده شمرده می‌شود، داستان ایستادگی قهرمانان اصلی کتاب است، در مقابل مرگ و در مقابل بلای طاعون!

داستان دلوپسی‌ها و اضطراب‌ها و فداکاری‌ها و بی‌غیرتی‌های مردم شهر طاعون‌زده‌ای است که طنین زنگ ماشین‌های نعش‌کش آن، در روزهای هجوم مرض، دقیقه‌ای فرو نمی‌نشیند و بیماران طاعون‌زده را باید به زور سرنیزه از بستگانشان جدا کرد.

غیر از این کتاب که به‌عنوان بزرگترین اثر منشور سال‌های اخیر فرانسه به‌شمار رفته است، آلبر کامو، دو نمایش‌نامه دارد: یکی به‌نام سوء تفاهم Malentendu و دیگری کالکولاس پس از آن کتاب‌ها و مجموعه مقالات دیگر اوست؛ به این ترتیب:

نامه‌هایی به یک درخت آلمانی، افسانه‌ی سیزیف و مجموعه کوچکی به نام سور و چند اثر دیگر.

آلبر کامو، که همچون ژان پل سارتر در ردیف چند نویسنده‌ی تراز اول امروز و فرانسه نام برده می‌شود، یک داستان‌نویس عادی نیست که برای سرگرم کردن خوانندگان، طبق نسخه‌ی معمول، مردی را به زنی دلبسته کند و بعد با ایجاد موانعی در راه وصال آن دو، به تعداد صفحات داستان خود بیفزاید. داستان‌های این مرد، داستان‌هایی است فلسفی، که نویسنده درک دقیق خود را از زندگی و مرگ، از اجتماع و قیود و رسوم آن و

هدف‌هایی که به‌خاطر آن‌ها می‌شود زنده بود، در ضمن آن‌ها بیان کرده است.

از این لحاظ، بیگانه و طاعون این نویسنده، جالب‌تر از دیگر آثار اوست. در این دو داستان، نویسنده خود را روبه‌روی مرگ قرار می‌دهد. سعی می‌کند مشکل مرگ را برای خودش و برای خوانندگان حل کند. سعی می‌کند دغدغه‌ی مرگ و هراس آن را زایل کند. قهرمان داستان اول، که ترجمه‌ی آن اکنون در دست شماست (و امید است که ترجمه‌ای دقیق و امین باشد) بیگانه‌ای است که گرچه درک می‌کند بیهوده زندگی است، ولی در عین حال به زیبایی‌های این جهان و به لذاتی که نامنتظر در هر قدم سر راه آدمی است، سخت دل‌بسته است. با همین‌هاست که سعی می‌کند خودش را گول بزند و تدارک رفتار خود را به وسیله‌ای و به دلیلی موجه جلوه دهد. مردی است از همه چیز دیگران بیگانه. از عادات و رسوم مردم، از نفرت و شادی آنان و آرزوها و دلفسردگی‌هایشان. و سرانجام مردی است که در برابر مرگ - چه آن‌جا که آدم می‌کشد و مرگ دیگری را شاهد است و چه آن‌جا که خودش محکوم به مرگ می‌شود - رفتاری غیر از رفتار آدم‌های معمولی دارد.

نمایشنامه‌ی سوء تفاهم نیز که داستان کامل شده‌ی همان ماجرای ناقصی است که قهرمان داستان بیگانه آن را از روی روزنامه پاره‌ای که در زندان خود یافته، هزاران بار می‌خواند، باز در اطراف همین مسئله دور می‌زند. پسری است که از زادگاه خود برای کسب مال بیرون آمده و وقتی برمی‌گردد، نه تنها برای مادر و خواهرش بیگانه‌ای بیس نیست، بلکه حتی نمی‌داند چگونه خودش را به آنان معرفی کند. و در همین میانه است که مادر و خواهرش به طمع پولی که در جیب او دیده‌اند، او را می‌کشند. در این نمایشنامه، مردمی هستند که فکر می‌کنند یا باید همچون سنگ شد و یا خود کشی کرد. و این مادر و خواهر قاتل که پس از کشتن پسر و برادر خوب دیگر نمی‌توانند سنگ بمانند و کلماتی مثل «گناه» و «عاطف»، تازه برایشان معنی پیدا کرده است، ناچار راه دوم را انتخاب می‌کنند.

برای بهتر درک کردن این داستان فلسفی، از نویسندگانی که آثارش تاکنون به فارسی منتشر شده است، لازم بود که توصیفی و یا مقدمه‌ای آورده شود و از این لحاظ، بهتر این دیده شد که خلاصه‌ی ترجمه‌ی مقاله‌ی «ژان پل سارتر» نویسنده‌ی معاصر فرانسوی، که درباره‌ی همین کتاب نوشته شده است، در آغاز کتاب گذارده شود.

گرچه سارتر این مقاله را از یک منظر مخصوص نوشته است، که شاید مورد علاقه‌ی خوانندگان نباشد، ولی در عین حال، توصیفی است رسا و دقیق که به فهم داستان کمک خواهد کرد. خلاصه کردن چنین مقاله‌ای، بسیار دشوار، در عین حال جسورانه بود. ولی چه باید کرد که برای این مقدمه، بیش از شانزده صفحه جا گذاشته نشده بود. گذشته از این که ممکن بود ترجمه‌ی کامل آن، برای خوانندگان مایه‌ی ارباب بشود.

این کتاب، از زری چاپ پنجاه و پنجم کتاب که در سال هزار و نهصد و چهل و سیست، «وسیله‌ی بنگاه انتشارات Gallimard پاریس چاپ شده است»، ترجمه شده و مقدمه که به قلم سارتر است، از جلد اول کتاب، «Situations» او ترجمه شده است.